

فردا که روز جمعه است هنگامی که قرص خورشید در افق مغرب پایین می‌رود و آهسته آهسته محو می‌شود، زمان استجاب دعا است. حضرت زهرا علیها السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی در روز جمعه هست که خداوند هر حاجت خیری را در آن روا می‌کند. و آن زمانی است که نیمی از قرص خورشید در افق مغرب پایین رفته باشد.^۱

این لحظات را مغتنم بشمارید. به یاد داشته باشید که در این چند روز برای منتقم خون امام حسین علیه السلام بیشتر دعا کنید که فرج او، فرج همه‌ی مؤمنین و مؤمنات است.

امام رضا علیه السلام چنین ادامه دادند:

پسر شیبیب! محرم ماهی است که اهل جاهلیت که بت پرست بودند، ظلم و جنگ در این ماه را، به خاطر حرمتش، حرام می‌دانستند. اما این امت نه حرمت این ماه خود را نگه داشتند و نه حرمت نبی‌شان را. ذریه‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله را در همین ماه کشتند، و دختران او را به اسارت گرفتند و همه‌ی اشیاء قیمتی‌شان را به غارت بردند. خداوند هیچ‌گاه آن‌ها را نبخشد.

آن‌گاه جملاتی فرمودند که قلب هر شیعه‌ای را آب می‌کند:

يَا ابْنَ شَيْبِيبٍ اِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَاَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
 اَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ
 أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبَهُونَ...

پسر شیبب! اگر خواستی برای چیزی گریه کنی برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن. چون سر او را بردند، همان طور که گوسفند را سر می‌برند. و همراه او هجده مرد از اهل بیتش به شهادت رسیدند که هیچ یک در زمین مثل و مانندی نداشتند.

...وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةٌ آلاَفٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعْتُ غُبْرٌ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ...

به سبب کشته شدن او هفت آسمان و زمین‌ها به گریه افتادند. چهار هزار فرشته برای یاری او به سوی زمین فرود آمدند، اما او را کشته یافتند. پس آنان پریشان و غبار آلوده نزد قبر ایشان اقامت کرده‌اند، تا روزی که قائم علیه السلام، قیام کند و آن‌گاه در زمهری یاران او خواهند بود و شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

و در پایان فرمودند:

يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ بَكِيْتٍ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَى خَدَّيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرَكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنَ عليه السلام!

پسر شیبب! اگر بر حسین علیه السلام گریستی تا این‌که اشک‌هایت به گونه‌هایت رسید، خداوند تمام گناهانی که مرتکب شده‌ای را می‌بخشد؛ کوچک باشد یا بزرگ؛ کم باشد یا زیاد. پسر شیبب! اگر



شادمان می‌شوی، خدا را ملاقات کنی در حالی که گناهی بر تو نباشد، پس حسین علیه السلام را زیارت کن.

اگر اشک روی گونه‌هایتان جاری شد آن را به گلوگاه خود بمالید تا زمانی که جان به گلو رسید بوی امام حسین علیه السلام بدهد. ملک الموت وقتی بوی امام حسین علیه السلام را استشمام کند به ما رحم خواهد کرد. در روایات داریم که وقتی فردی نسبت به نماز‌هایش مقید و محافظ باشد خود ملک الموت به او شهادتین را تلقین می‌کند.^۱ امیدواریم که اشک بر امام حسین علیه السلام نیز چنین اثر بزرگی را داشته باشد. یا دست کم موجب مدارای عزرائیل با ما شود.

یادی از مصیبت جناب مسلم بن عقیل

همین شب جمعه دلتان را روانه‌ی آن حائر کنید. الان کربلا چه خبر است؟ از جانب سفیرالحسین علیه السلام مسلم بن عقیل، سلام دهید.

او زمانی از کوفه به حضرت سلام داد که دیگر دستش از همه جا کوتاه شده بود. چه قدر برای مولایش غصه خورد! چگونه باید به آقا خبر می‌داد که به سوی کوفه نیایند؟ چگونه می‌توانست ایشان را از ناجوانمردی کوفیان مطلع کند؟

خدا تقدیر کرده بود که حضرت مسلم نیز بعضی از مصائب سیدالشهدا علیه السلام را بچشد و بعد به شهادت برسد. غربت را چشید، تنهایی را چشید، همه‌ی دشمنان در کمین او بودند، یگه و تنها در کوچه‌های کوفه مانده بود، هیچ کس نبود به او پناه دهد. فقط یک زن پیدا شد که به او پناه داد. غربت و تنهایی را که چشید، خدا خواست

۱. من لا یحضره الفقیه / ۱ / ۱۳۷.



تشنگی را هم بچشد. آن قدر تشنگی به او فشار آورد که از آن پلیدها خواست جرعه‌ای آب به او بدهند. آب را به دستش دادند، اما قسمتش نبود بنوشد. زیرا خون از دهانش به داخل آب ریخت. در حالی که پوستش از تشنگی خشک شده بود،^۱ چه بسا در لحظات آخر سلامی به آقا اباعبدالله علیه السلام داد و این سلام به مولایش رسید.

وقتی خبر شهادت مسلم را به اباعبدالله علیه السلام دادند ایشان گریستند و رحمت و درود و رضای خدا را نثار وی کردند:

رَحِمَ اللهُ مُسْلِمًا فَلَقَدْ صَارَ إِلَى رَوْحِ اللهِ وَ رَيْحَانِهِ وَ تَحِيَّتِهِ
وَ رِضْوَانِهِ.^۲

آن‌گاه در روز عاشورا وقتی خود آقا غریب و عطشان بودند، جواب سلام مسلم را دادند. آن زمان که صدای غربت آقا بلند شد و مسلم و دیگر یاران خود را یکی یکی صدا کردند؛ در حالی که آن‌ها قادر نبودند به مولای خود لبیک بگویند.^۳

خدایا، ما نیز امشب از جانب این سفیر امام حسین علیه السلام سلام می‌دهیم. از ما بپذیر و جواب ما را عنایت بفرما.

آیا دلتان نمی‌خواهد که جای مسلم بودید و آقایتان از شما راضی بود؟ پس بگویید: یا لیتنی كنت مع المسلم. ای کاش من هم با مسلم بودم.

۱. الارشاد / ۲ / ۶۱.

۲. بحار الانوار / ۱۴ / ۱۷۵.

۳. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام / ۵۸۲ - ۵۸۱.

<https://entezarschool.ir>



@entezar_school